

هیشم علی الطباطبایی که بود؟

در نخستین حمله اسرائیل به بیروت از ماه ژوئن، روز یکشنبه بالاترین چهره نظامی حزب الله لبنان از زمان آتش بس یک سال پیش ترور شد. هیشم علی الطباطبایی پله پله در سلسله مراتب حزب الله رشد کرد و در پی ترور بخش بزرگی از رهبران حزب الله به بلندپایه ترین مقام نظامی این گروه تبدیل شد. در طول جنگ یک سال گذشته طباطبایی رهبری عملیات حزب الله را بر عهده داشت. بعد از آتش بس ۲۴ نوامبر سال گذشته، او به عنوان رئیس ستاد مشترک انتخاب شد و جانشین ابراهیم عقیل شد که دو ماه قبل از آن ترور شده بود. ارتش اسرائیل مدعی شد که طباطبایی به سختی کار می کرد تا آمادگی حزب الله را برای جنگ با اسرائیل احیا کند. طباطبایی از تبار ایرانی و لبنانی در دهه ۱۹۸۰ به حزب الله پیوست و به مقام های بلندپایه در گروه، از جمله فرماندهی نیروهای ویژه رضوان رسید. براساس بیانییه حزب الله طباطبایی از دهه ۱۹۹۰ در عملیات گروه علیه ارتش اسرائیل مشارکت داشت. او تا پیش از عقب نشینی اسرائیل از خاک لبنان در سال های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۶ در عملیات علیه نیروهای اسرائیل مشارکت داشت. بین سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ او مسئول امنیت سرزمین های پیرامون روستای خیام بود و فرماندهی عملیات حزب الله علیه اسرائیل در این منطقه در جنگ ۲۰۰۶ را بر عهده داشت. او پس از ترور عماد مغنیه، فرمانده ارشد حزب الله در سال ۲۰۰۸ در تشکیل نیروهای ویژه حزب الله که به نیروهای رضوان مشهور شدند، مشارکت داشت. طباطبایی پس از آن به عنوان مسئول هدایت نیروهای ویژه حزب الله در یمن منصوب شد و عملیات حزب الله در حمایت از انصار الله یمن را فرماندهی کرد. او همچنین در سوریه نیز فرماندهی بخشی از نیروهای حزب الله را بر عهده داشت و بر اساس گزارش ها از یک عملیات ترور هوایی توسط اسرائیل نجات یافت. سال ۲۰۱۶ دولت ایالات متحده آمریکا او را در فهرست تروریستی قرار داده و جایزه ۵ میلیون دلاری برای اطلاعاتی که به بازداشت او منجر شود تعیین کرد.

بر اساس بیانییه وزارت بهداشت لبنان حمله روز یکشنبه اسرائیل به یک آپارتمان چند طبقه در منطقه پر جمعیت حومه جنوب بیروت، مشهور به ضاحیه، منجر به کشته شدن ۵ نفر و مجروحیت ۲۸ نفر دیگر شد. یک منبع نزدیک به حزب الله گفته است که طباطبایی در خارج از کشور حضور داشت و پس از ترور فرمانده ارشد حزب الله، فواد شکر در ماه ژوئیه به لبنان بازگشت. علی رزق، تحلیل گر مسائل امنیتی لبنان معتقد است که ترور یک مقام ارشد نظامی حزب الله نشانه ای از تشدید گسترده تر تنش ها در جبهه لبنان است که می تواند به عنوان شاهدهی بر آغاز عملیات گسترده تر اسرائیل علیه لبنان ارزیابی شود. رزق معتقد است که در جنگ اطلاعاتی، اسرائیل دست بالاتری از حزب الله دارد. رزق می گوید از سپتامبر ۲۰۲۴ که اسرائیل با عملیات انفجار هزاران پیچر و بی سیم که توسط نیروهای حزب الله استفاده می شد به درگیری ها دامن زد، مشخص بود که اسرائیل در جنگ اطلاعاتی دست پیش پیدا کرده است. اسرائیل همچنین با عملیات ترور بخش بزرگی از رهبران حزب الله، از جمله حسن نصرالله، دبیرکل، ابراهیم عقیل، فرمانده نیروهای رضوان و علی کرک، نفر سوم نظامی حزب الله، نشان داد که نفوذ اطلاعاتی وسیعی در این گروه پیدا کرده است. رزق به میدل ایست آئی می گوید: «به همین دلیل است که اسرائیل به اقدامات خود ادامه می دهد، چرا که می تواند ضربات دردناکی به حزب الله وارد کند. در یک جنگ متعارف، اسرائیل می تواند ضربه بزند، اما در مقابل ضرباتی هم دریافت خواهد کرد. در عوض ما شاهد توسعه یافتن عملیات اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل هستیم.» رزق معتقد است که حزب الله می تواند برخی اقدام های احتیاطی در پیش بگیرد، اما در شرایطی که تلاش می کند شکاف های اطلاعاتی پدید آمده در سال های اخیر را پر کند، همچنان نسبت به دسترسی اطلاعاتی اسرائیل در خطر باقی خواهد ماند.



عکس: Reuters

بازگشت به عقب

پرونده هسته ای ایران در آژانس بار دیگر به صورت ویژه در چارچوب قطعنامه های شورای امنیت بررسی می شود

اورانیوم و توسعه راکتورهای آب سنگین منع می کند. بر اساس قطعنامه ای که سه کشور اروپایی (آلمان، انگلیس و فرانسه) توانستند روز پنجشنبه با ۱۹ رأی موافق، ۱۲ رأی ممتنع و ۳ رأی مخالف (روسیه، چین و نیجر) پرونده ایران در شورای حکام آژانس بین المللی انرژی تصویب کردند، مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی موظف می شود که هر سه ماه یکبار گزارشی جامع در مورد برنامه هسته ای ایران و گزارشی از رعایت مفاد قطعنامه های ۱۶ گانه شورای امنیت در اختیار شورای حکام قرار دهد و رونوشت آن را به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارسال کند.

❖ واکنش تهران به تصویب قطعنامه

تهران پیش از نشست فصلی شورای حکام تهدید کرده بود که در صورت تصویب قطعنامه در این نشست، واکنش تنیدی به این اقدام نشان خواهد داد. کاظم

دستورکار منتشرشده برای این نشست، دیگر اشاره ای به قطعنامه ۲۲۳۱ و تعهدات برجامی نشده بود و نام ایران تنها در بخش توافق نامه پادمان آمده بود؛ موضوعی که نشان داد پیگیری مسائل مربوط به برجام رسماً از حوزه بررسی شورای حکام کنار گذاشته شده بودند. با پایان اعتبار ۱۰ ساله قطعنامه ۲۲۳۱ در ۲۶ مهرماه ۱۴۰۴، وظیفه گزارش دهی مدیرکل درباره اجرای تعهدات برجامی ایران خاتمه یافته و بر همین اساس، پرونده ایران در حوزه ادعایی «عدم اشاعه» دیگر در دستورکار شورای حکام مطرح نبود اما با صدور قطعنامه هفته پیش، نه تنها وظایف گزارش دهی مدیرکل آژانس مجدداً برقرار شد، بلکه این گزارش دهی نه به مبنای برجام (که حق غنی سازی جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت می شناخت) بلکه بر مبنای قطعنامه های ۱۶ گانه شورای امنیت سازمان ملل متحد است که ایران را از غنی سازی

شهاب شهسواری

خبرنگار گروه دیپلماسی



دوره ده ساله ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۴ مانند چشم برهم زدنی گذشت و پرونده هسته ای ایران بدون تغییر اساسی به دوران پیش از برجام بازگشت. پرونده هسته ای ایران از پنجشنبه هفته گذشته در شرايطی قرار گرفت که انگاز برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد هرگز وجود نداشته اند. پیش از برگزاری نشست فصلی شورای حکام آژانس در روز چهارشنبه، دبیرخانه آژانس بین المللی انرژی اتمی با صدور بیانییه ای از خروج بررسی ویژه پرونده هسته ای ایران از دستور کار شورای حکام به دلیل انقضای قطعنامه ۲۲۳۱ و برجام خبر داده بود. در

حسن بهشتی پور تحلیل گر مسائل هسته ای در گفت وگوبا «هم میهن»:

خودمان را فریب ندهیم

هسته ای ایران در آژانس ایجاد شده است؟

تصویب قطعنامه اخیر شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی به این معنا است که بررسی ویژه پرونده هسته ای ایران در آژانس استمرار پیدا خواهد کرد، منتهی این فرآیند به جای اینکه تحت قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد و برجام باشد که دوره ده ساله اش تمام شد و به تاریخ پیوست، بر اساس قطعنامه ۶ گانه شورای امنیت خواهد بود. براساس این قطعنامه رافائل گروسی، مدیرکل آژانس موظف شده است که هم گزارش های سه ماهه از وضعیت برنامه هسته ای ایران در اختیار شورای حکام آژانس قرار دهد و هم رونوشت گزارش را به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارسال کند. براساس رایی که روز پنجشنبه شورای حکام داد، به رغم انقضای قطعنامه ۲۲۳۱ و برجام، وضعیت پرونده هسته ای ایران به شرایط عادی بازنگشته است. اساساً نیت انگلیس، فرانسه و آلمان برای ارائه پیش نویس این قطعنامه این بود که روال گزارش دهی مدیرکل را که با انقضای قطعنامه ۲۲۳۱ پایان یافته بود، به شکل جدیدی از سر بگیرند.

مشکلی که در این قطعنامه وجود دارد این است که اساساً در این سند اشاره ای به تجاوز نظامی آمریکا و اسرائیل به تاسیسات هسته ای ایران نشده است. واقعیت این است که قطع استمرار دانش آژانس نسبت به تاسیسات هسته ای ایران به دلیل حمله آمریکا و اسرائیل به این تاسیسات ایجاد شده است. تاسیسات هسته ای ایران که در حملات خرداد و تیرماه سال جاری هدف قرار گرفت، همگی مراکز اعلام شده به آژانس بودند که به صورت مستمر توسط بازرسان آژانس مورد بازرسی و نظارت قرار می گرفتند. تا پیش از این آژانس به صورت مستمر اطلاع داشت که دقیقاً در این مراکز چه فعالیت هایی صورت می گیرد، چند سانتریفیوژ از چه مدلی فعال است و چه میزان

اورانیوم در چه سطحی در این مراکز غنی می شود. با حمله آمریکا و اسرائیل به این تاسیسات این مکان ها ناامن شده اند و دسترسی به آنها عملاً غیرممکن شده است. سه کشور اروپایی نمی توانند فرافکنی کنند و نتایج حمله آمریکا و اسرائیل به تاسیسات ایران را به همکاری نکردن ایران تعبیر کنند. در این قطعنامه باید دست کم اشاره ای به این جنایت آمریکا و اسرائیل می شد.

❖ آیا می توان گفت که سه کشور اروپایی از زمانی که در تاریخ ۶ شهریور درخواست فعال سازی مکانیسم ماشه با اسنپ یک را به شورای امنیت بردند، این طراحی و این برنامه را به شکل دقیق انجام داده بودند که مجدداً در شورای حکام آژانس وضعیت بررسی پرونده هسته ای ایران را به حالت ویژه در بیاورند؟

دقیقاً همین طور است. اساساً این فرآیند از ابتدای آغاز بحران هسته ای ایران آغاز شده بود و همواره برنامه دولت های اروپایی و آمریکا همین بود. پرونده هسته ای ایران از سال ۱۳۸۲ مطرح شد و از همان زمان سه کشور اروپایی تلاش می کردند که پرونده هسته ای ایران را در شورای حکام به صورت وضعیت بررسی ویژه نگه دارند و نهایتاً موفق شدند که سال ۱۳۸۵ پرونده ایران را به شورای امنیت ارجاع بدهند. واقعاً تأسّف برانگیز است که در همان زمان هم این ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت توسط عده ای در ایران انکار می شد و به گونه ای انمود می شد که به لحاظ حقوقی قطعنامه های شورای حکام آژانس اعتبار ندارد. جالب این است که ادعا می کردند چون این قطعنامه با اجماع تصویب نشده است، پس از لحاظ حقوقی اعتبار ندارد. اینکه به لحاظ حقوقی اتفاق آراء، اجماع، اکثریت مطلق و اکثریت نسبی چه تفاوتی با هم دارند، یک مسئله است و اینکه آیا ضرورتی به تصویب قطعنامه های شورای حکام با اتفاق آراء یا اجماع وجود دارد، مسئله دیگر. اساساً نه در آن دوران و نه امروزه هیچ نیازی به اجماع برای تصویب قطعنامه های شورای حکام نیست.

❖ امروز هم ما از سوی برخی رسانه ها شاهد زیر سوال بردن اعتبار قطعنامه شورای حکام هستیم و حتی سخنگوی وزارت امور خارجه هم ادعا می کند که بنیان حقوقی این قطعنامه ضعیف است...